

Investigating the Archetypes of Iranian Houses from an Islamic Perspective with the Approach of Residents' Mental Health

Behrang Moradi* 

*Corresponding Author, Assistant Prof., Department of Architecture, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: b_moradi@azad.ac.ir

Sharmin Eesazadeh Ziri

M.A. Student, Department of Architecture, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: sharmin.eesazade.z@gmail.com

Sara Afshar

M.A. Student, Department of Architecture, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: sarafsharr@gmail.com

Zahra Goudarzi

M.A. Student, Department of Architecture, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: z.goudarzi96@yahoo.com

Abstract

Using the principles governing archetypes, showcasing collective mental and unconscious models of human beings, as solutions with deep and effective social and physical backing, can play a significant and effective role in policy-making on how to supply housing within the framework of the principles governing the planning and design of Iranian-Islamic housing. Archetypes have been common among humans during centuries and have an influence on maintaining and enhancing the mental health of residents by creating a mentally and emotionally desirable environment by maintaining and perpetuating repeating patterns as human heritage, independent of individual experiences. While reviewing the studies conducted with the keyword 'archetypes' in authentic articles, it was noted that none of the reviewed references had explored the combination and common features of these components from an Islamic perspective and the effect on the mental health of residents. Hence, an urge was felt to study the common effective components between the archetypes, the Islamic insight, and mental health of inhabitants by achieving a model for construction of Iranian housing. The aim of the present study is to explain the common principles of archetypes of Iranian houses from an Islamic perspective and in accordance with the components affecting mental health of residents. This research is done qualitatively and relevant data was collected through systematic review of authentic previous documents and studies in Persian, including books and scientific journals approved by the Ministry of Science, Civilica, ACECR Scientific Information Center website, and Noor Specialized Journals Website, as well as through

searches in articles published in the recent 11 years based on keywords, including: Islam, house, mental health, and archetype. Initially, a total of 35 authentic papers in the field of the present research were analyzed, of which 17 papers were selected to be reviewed and analyzed as they focused on concepts, effective factors, as well as their impact on each other. The results show that 10 principles commonly-emphasized in the archetypes of Iranian houses from the Islamic perspective are effective in maintaining and promoting the mental health of inhabitants, among which hierarchy and naturalism, with the greatest impact, and spatial division and spatial diversity, with the least impact, are addressed in these principles. Formulation of these principles can have a significant impact on the joint policy-making for establishing and founding Iranian housing models. Regarding the aim of this paper to study the components from an Islamic perspective and the impact of these components on mental health, this formulation will lead to standardization of Iranian housing. Establishing a common structural housing system prevents construction of unconventional housing with inappropriate environmental models, and relieves Iranian houses from designs based on personal taste, while rescuing housing architecture from the current contemporary turmoil.

Keywords: Archetype, Housing policy-making, Iranian-Islamic house, Mental health

Citation: Moradi, Behrang; Eesazadeh Ziri, Sharmin; Afshar, Sara & Goudarzi, Zahra (2022). Investigating the Archetypes of Iranian Houses from an Islamic Perspective with the Approach of Residents' Mental Health. *Urban and Regional Policy*, 1(4), 71-88.

Urban and Regional Policy, 2022, Vol. 1, No.4, pp. 71-88
Published by Ahvaz Branch, Islamic Azad University
Article Type: Review
© Authors

Received: May 01, 2022
Received in revised form: August 12, 2022
Accepted: August 29, 2022
Published online: January 06, 2023



تبیین اصول کهن‌الگوهای خانه‌های ایرانی از دیدگاه اسلامی با رویکرد سلامت روان ساکنان

بهرنگ مرادی*

نویسنده مسئول، استادیار، گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: b_moradi@azad.ac.ir

شرمین عیسی‌زاده زیری

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: sharmin.eesazade.z@gmail.com

سارا افشار

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: sarafsharr@gmail.com

زهرا گودرزی

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: z.goudarzi96@yahoo.com

چکیده

استفاده از اصول حاکم بر کهن‌الگوها به‌عنوان الگوهای ذهنی و ناخودآگاه جمعی بشر، به‌عنوان راهکارهایی با پشتوانه عمیق و مؤثر اجتماعی و کالبدی می‌تواند در سیاست‌گذاری نحوه تأمین مسکن در قالب اصول حاکم بر برنامه‌ریزی و طراحی مسکن ایرانی اسلامی، نقش مؤثری داشته باشد. کهن‌الگوها در میان انسان‌ها، طی قرن‌ها مشترک بوده و به‌عنوان میراثی انسانی و فارغ از تجربه‌های فردی با حفظ الگوهای تکرارشونده و ایجاد فضایی مطلوب از لحاظ روانی در حفظ سلامت روان ساکنین تأثیرگذار هستند. بررسی‌های صورت‌گرفته با کلیدواژه کهن‌الگو در منابع گذشته نشان می‌دهد که تلفیق و وجه اشتراک کهن‌الگوها از دیدگاه بینش اسلامی و تأثیرات آن در سلامت روان کاربران، بررسی نگردیده است، درحالی‌که شناخت مؤلفه‌های مؤثر مشترک بین کهن‌الگوها، بینش اسلامی و سلامت روان کاربران می‌تواند در دستیابی به الگویی برای برنامه‌ریزی ساخت مسکن ایرانی راهگشا باشد. هدف از تحقیق حاضر تبیین اصول مشترک کهن‌الگوهای خانه‌های ایرانی از دیدگاه اسلامی و منطبق بر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سلامت روان ساکنان است. پژوهش کیفی حاضر، اطلاعات حاصل از اسناد معتبر علمی در ۱۱ سال اخیر را به‌صورت نظام‌مند مورد تحلیل محتوا قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد که ۱۰ اصل مشترک در کهن‌الگوهای خانه‌های ایرانی از دیدگاه بینش اسلامی، در حفظ سلامت روان ساکنان تأثیرگذار هستند که سلسله‌مراتب با بیشترین و تقسیم فضایی با کمترین میزان تأثیرگذاری، از جمله آنها هستند. با تدوین این اصول در سطوح سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و قوانین موضوعی مرتبط با تأمین مسکن می‌توان گامی بلند در راستای دستیابی به الگوی خانه ایرانی، اسلامی برداشت.

کلیدواژه‌ها: خانه ایرانی و اسلامی، سلامت روان، سیاست‌گذاری مسکن، کهن‌الگو.

استناد: مرادی، بهرننگ؛ عیسی‌زاده زیری، شرمین؛ افشار، سارا و گودرزی، زهرا (۱۴۰۱). تبیین اصول کهن‌الگوهای خانه‌های ایرانی از دیدگاه اسلامی با رویکرد سلامت روان ساکنان. *سیاستگذاری شهری و منطقه‌ای*، ۱(۴)، ۷۱-۸۸.

مقدمه

خانه به‌عنوان اولین موضوعاتی که بشر از بدو خلقت، چه در قالب سکنی‌گزینی در غارها و چه در قالب متمدنانه و رو به پیشرفت آن که به شهرنشینی و یکجانشینی تبدیل گردیده با آن سروکار داشته است، می‌بایست هدف والاتری از احساس سرپناه را اغنا نماید و آن حفظ و اعتلای سلامت روان، ایجاد آرامش روحی و مطلوبیت در میان عموم کاربران است. حفظ و ارتقای سلامت روان یکی از اهداف اولیه معماری به‌شمار می‌رود. سلامت روانی، محصول احساس رضایتمندی در مکان است و این رضایتمندی با بهبود شاخص‌های کیفی افزایش می‌یابد که یکی از این موارد، ایجاد فضاهای آشنا و هویت‌مند است. بر اساس مطالعات علوم مرتبط با روان، ناخودآگاه انسان، شامل خاطرات جمعی و فردی از اشکال و فرم‌های گذشته است. به این‌گونه که انسان در مکان‌های آشنا که خاطرات ناخودآگاهش شکل گرفته است، ارتباط بهتری برقرار می‌کند.

همچنین با توجه به آیات و احادیث، می‌توان دریافت که لازم است مسکن خصوصیتی را داشته باشد تا بتواند موجبات آرامش و آسایش را برای ساکنان فراهم کند و از جانب کلیه ساکنان مورد مطلوبیت قرار گیرد. قرآن و سنت حاوی گزاره‌های ارزشی است که می‌تواند مجموعه‌ای از منش‌ها را به‌عنوان راهنما و چارچوب برای طراحی و معماری مسکن، در اختیار مسلمانان قرار دهد. اسلام منش طراحی خانه را بیان می‌دارد؛ منشی که از اصول و بنیان‌های اسلامی به دست می‌آید. این منش‌ها به‌عنوان شیوه زندگی مطرح می‌گردد و اصولی را جهت زندگی فرد مسلمان و روابط وی با محیط اجتماعی و مادی تعیین می‌نماید و به عبارتی شیوه زندگی مسلمانان را مشخص می‌سازد (Belali Oskui & Nazari, 2020).

مهم‌ترین ویژگی معماری کهن‌الگویی، مطلوب بودن آن از جانب همه مردم است چرا که حضور کهن‌الگوها در ناخودآگاه جمعی، فصل مشترکی است که موجب مقبولیت آن‌ها در میان همه انسان‌ها شده است (Golabchi & Zeynali Farid, 2014). ویژگی‌هایی در معماری خانه‌های ایرانی وجود دارد که هریک از آنها به‌مثابه یک الگوی مداوم می‌تواند در طراحی خانه‌های امروزی مدنظر قرار گیرد. شناسایی و بازنمایی در این ویژگی‌ها جهت دستیابی به معیارهای صحیح طراحی و فراهم‌آوردن کالبدی برای فعالیت‌های استفاده‌کنندگان از بنا منطبق با شیوه‌های زیست ضروری است (Razavizadeh, 2020).

شناخت کهن‌الگوها و استفاده از اصول حاکم بر آنها به‌عنوان راهکارهایی با پشتوانه عمیق و مؤثر اجتماعی و کالبدی می‌تواند در سیاست‌گذاری نحوه تأمین مسکن در قالب اصول حاکم بر برنامه‌ریزی و طراحی مسکن ایرانی - اسلامی، نقش معنادار و مؤثری داشته باشد و بتواند با بررسی اصول مورد تأکید در کهن‌الگوهای خانه ایرانی - اسلامی به تنظیم دستور ساخت تأمین مسکن باهدف حفظ و اعتلای سلامت روانی ساکنین بپردازد. این تحقیق در صدد آن است که به بررسی کهن‌الگوهای خانه‌های ایرانی و تأثیر آن در سلامت روان کاربران بپردازد و مواردی را که با دیدگاه اسلامی همخوانی دارد را بیان نماید.

مبانی نظری

معماری هنری دیرینه و خانه یکی از نمونه‌های کهن دست‌ساخته بشر است که علاوه بر ویژگی‌های کیفی در اجزای کالبدی، تجربیات انسانی را هم در برمی‌گیرد. در تحقیقات یونگ^۱، خانه یکی از نمادهای رایج در رؤیاست. انسان در طی قرن‌ها به دنبال مکانی امن بوده که در آن آسایش یابد (Shabani Jafroudy & Salavatian & Nikouie & Asadi, 2020). Majreh, 2020). باتوجه به ماهیت حسی - تجربی خانه و ناخودآگاه جمعی حاضر در آن که در طی قرن‌ها از نسلی به نسل دیگر منتقل گردیده است و رهنمون‌های موجود در دیدگاه اسلامی نسبت به خانه با خلق فضایی توأمان با آرامش، آسایش روانی و مطلوبیت از جانب همه، مبانی نظری پژوهش در سه طبقه کهن‌الگویی، دیدگاه اسلامی و سلامت روان نسبت به خانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

کهن‌الگو

یونگ، تجربه جمعی بشر را با عنوان آرکی تایپ‌ها^۲ یا کهن‌الگوها مطرح می‌کند. مهم‌ترین نظریه یونگ، درباره ماهیت ناخودآگاه بشر بود. او ضمیر ناخودآگاه را که اول بار فروید^۳ به تبیین آن در بعد فردی پرداخته بود، دربردارنده دو بخش دانست. بخش نخست را «ناخودآگاه» فردی نامید که در دیدگاه او، تقریباً همان خصوصاتی را دارد که ضمیر ناخودآگاه از منظر فروید داشت. به اعتقاد یونگ، این بخش از نیمه تاریک روان انسان حاوی موارد فراموش شده و خصوصاتی است که زمانی خودآگاه بوده‌اند؛ ولی به دلایلی واپس زده شده و یا مورد غفلت قرار گرفته‌اند. این خصوصیات به دلیل ناسازگاری با خودآگاهی سرکوب می‌شوند؛ ولی در روان ناخودآگاه فرد نمود بیرونی می‌یابند (Yamini, Alimohammadi, & Bazrafkan, 2020).

بخش دوم ضمیر ناخودآگاه که عمیق‌ترین لایه‌های روانی ذهن انسان را تشکیل می‌دهد، «ناخودآگاه» جمعی است. این بخش، جمعی و غیرشخصی و همچنین در همه انسان‌ها مشترک است. یونگ این روان جمعی را شامل مجموعه‌ای از تجربه‌های بسیار کهن تاریخی می‌دانست. اگرچه این تجربه‌های کهن به طور مستقیم قابل تشخیص نیستند، تأثراتی از خود بروز می‌دهند که شناخت آنها را امکان‌پذیر می‌کند و در «کهن‌الگو»ها نمایان می‌شوند. در واقع یونگ معتقد بود ذهن انسان در هنگام تولد همچون لوحی سفید نیست، بلکه دارای الگوهای اولیه‌ای است که به صورت ارثی از والدین به فرزندان منتقل شده است. یونگ، محتویات ناخودآگاه جمعی را که در همه انسان‌ها مشابه بوده و در اسطوره‌ها، افسانه‌ها، آیین‌های مذهبی اقوام مختلف، خیال‌پردازی‌ها و آثار هنری نمود پیدا می‌کند، کهن‌الگو می‌خواند (Parvizi, 2020).

شاید بتوان گفت که کهن‌الگوها نقطه عطفی برای شناخت بیشتر روحیات و روان انسان به حساب می‌آیند که در روان‌شناسی دوران معاصر تأثیر زیادی داشته و با اتکا به این نظریه، پی برده‌ایم که کنش‌ها و رفتارهای ما فقط تحت تأثیر زمانی که ما با دنیای بیرون ارتباط برقرار کرده‌ایم نیست، بلکه عوامل گذشته نیز به صورت موروثی، درون ما وجود دارند و رفتارهای ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از نظر یونگ ناخودآگاه جمعی، مجموعه‌ای از تجارب نسل‌های گذشته است. ناخودآگاه جمعی، برخلاف ناخودآگاه فردی، باتوجه به اجداد مشترک، در همه افراد یکسان است. این ناخودآگاه، بخشی از

1. Carl Gustav Jung
2. Archetype
3. Sigmund Freud

میراث انسان و حلقه زنجیری است که ما را با میلیون‌ها سال تجربه گذشته پیوند می‌دهد (Lawrence & Oliver, 2001). از آنجایی که کهن‌الگوها به‌عنوان «ناخودآگاه جمعی» بشر بشمار می‌روند، نمی‌توان آنها را متعلق به یک قوم یا ملتی دانست. از همین روست که در بررسی آن می‌توان دریافت که در بیشتر ملت‌ها مشترکاتی در این زمینه وجود دارد که آنها را به هم پیوند می‌دهد (Hatefi Shojae, 2016). این کهن‌الگوها به‌صورت زبانی مشترک انتقال‌دهنده هویت، سنت و فرهنگ یک ملت هستند که باعث به‌وجود آمدن مفهومی به نام «راه بی‌زمان ساختن^۱» می‌شوند که الکساندر^۲ آن را به‌عنوان الگویی مشترک عرضه می‌دارد که در بین همه مشترک باشد (Torabi, Asadi & Jozpiri, 2016). الکساندر که از بنیان‌گذاران استفاده از ناخودآگاه در معماری محسوب می‌گردد، الگوها را عصاره تجربیات بشری می‌داند که پایه‌های ضروری برای پیوند طراحی با ادراک انسان را فراهم می‌آورد (Cline, 1997). تغییرات اندک الگوها و فرم‌ها، تأثیر گرفته از شرایط خاص اقلیمی، جغرافیایی، اساطیر منطقه‌ای و ناخودآگاه شخصی خالق اثر است، ولی همگی دارای یک محتوای اصلی و مشترک هستند که سبب ایجاد ارتباط عمیق با همه انسان‌ها شده و به همین دلیل موجب پایداری و ماندگاری آن‌ها می‌شود. در معماری کهن‌الگویی، والاترین هدف، انسان است. این معماری در عین ثبات و ایستایی، پویا است، در عین عینی بودن ذهنی است، در عین بی‌زمانی در زمان زنده و جاودانه است و در عین کرانه‌مندی، بی‌کرانه است (Golabchi & Zeynali Farid, 2014).

دیدگاه اسلامی

نگاه جوامع، مذاهب و فرهنگ‌های مختلف به مسکن متفاوت است. در دوره‌ای مسکن به‌عنوان «ماشینی برای زندگی»، از لوکوربوزیه^۳؛ با «زدودن پوشش‌ها»، از میس وندروهه^۴ مطرح می‌شود. راپاپورت^۵ به خانه به‌عنوان نهادی با عملکردی چندگانه نگریسته و می‌گوید: «خانه بیش از آنکه ساختاری کالبدی باشد، نهادی است با عملکرد چندبعدی»؛ و یا در دیدگاهی دیگر، شولتز^۶ که معتقد است: «خانه مکانی است که وقوع زندگی روزمره را در خود گرفته؛ خانه تنها به پدیدآوری کیفیت‌های جوی محیط بسنده نکرده و باید خلق‌وخوی آن فعالیت‌هایی که در درونش جریان می‌یابد را نیز آشکار سازد» (Belali Oskui & Nazari, 2020). یوسف القرداوی اندیشمند اسلامی، خانه را این‌گونه تعریف می‌کند: «مکانی که در آن فرد، ضمن حفاظت از خود در برابر عوامل آب‌وهوایی، می‌تواند از فشارها و محدودیت‌های جامعه به‌دور باشد. خانه مکانی است برای استراحت آدمی و آرامش ذهن» (Hesham, 2005).

در اسلام حفظ صحت و سلامت جسم از واجبات به‌شمار می‌رود و هرآنچه این موضوع را به خطر بیندازد ناپسند تلقی می‌گردد. اهمیت این موضوع به حدی است که حتی عباداتی مانند نماز و روزه واجب، در شرایطی که انجام آن برای انسان مضر می‌باشد، نه‌تنها جایز بلکه واجب است که ترک شود و انجام آن به کار حرام تبدیل می‌شود. آسایش و آرامش جسمی، آرامش روانی و روحی را نیز به همراه خود می‌آورد. در همین ارتباط خداوند در آیه^{۱۱} سوره انفال می‌فرماید: «و

1. The timeless way of building
2. Christopher Alexander
3. Le Corbusier
4. Ludwig Mies van der Rohe
5. Amos Rapoport
6. Christian Norberg-Schulz

(یادآورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فراگرفت و آبی از آسمان برایتان فرستاد تا شما را با آن پاک کند و پلیدی شیطان را از شما دور سازد و دل‌هایتان را محکم و گام‌ها را با آن استوار دارد.»

با این توضیح به نظر می‌رسد که خواب مناسب، خوراک پاک، نظافت جسم و هرآنچه باعث ایجاد آسایش جسمی باشد، مایه آرامش از سوی خداوند نیز است؛ بنابراین داشتن سرپناه مناسب که در آن انسان به شرایط آسایش جسمی و تأمین نیازهای اولیه‌اش بپردازد، می‌تواند نقش بسزایی در تأمین آسایش داشته باشد. علاوه بر موارد ذکر شده، از آن جایی که عبادت کردن یکی از ابزارهای اصلی ایجاد آرامش معنوی در انسان است، طراحی خانه به‌عنوان بستری مناسب برای رازونیز و عبادت، می‌تواند به مکانی جهت ایجاد و القا آرامش معنوی در انسان تبدیل شود. (Eslami Mahmoodabadi, Peyvastehgar & Heydari, 2021).

سلامت روان

تعریف سازمان بهداشت جهانی^۱ از سلامت از سال ۱۹۴۶ تا به حال تغییری نکرده است: سلامت حالتی از تندرستی کامل فیزیکی، روانی و اجتماعی است و تنها، نبودن بیماری و ناتوانی نیست. لذت بردن از بالاترین سطح قابل دسترسی از سلامت یکی از حقوق اساسی هر یک از انسان‌ها، بدون امتیاز و برتری در نژاد، مذهب، اعتقادات سیاسی و موقعیت اقتصادی و اجتماعی است (Ghafari & Banaei, 2011). خانه به‌عنوان مبدأ و مقصد زندگی روزمره انسان است. انسان‌ها برای کار و فعالیت اجتماعی از آن خارج می‌شوند و پس از انجام کار و کسب تجربه مجدد به خانه برمی‌گردند. اهمیت این موضوع به حدی است که بسیاری خانه را مرکز دنیای فرد معرفی کرده‌اند و از آن به‌عنوان فضایی جدایی‌ناپذیر از انسان یاد کرده‌اند که مرتبط با آدمی است و به طور روزمره بر او تأثیر می‌گذارد (Eslami Mahmoodabadi et al, 2021). از این رو مسکن یا فضای زندگی باید از دو جهت دارای کارایی باشد، یکی از جنبه مادی و دیگری از نظر پاسخگویی به نیازهای معنوی مردم. جنبه مادی شامل ایجاد محیطی با دسترسی مناسب، امکانات مناسب، درجه حرارت مطلوب، فشار مناسب، رطوبت، کوران هوا و نور مناسب و نظایر آن می‌باشد و پاسخگویی به نیازهای معنوی شامل ایجاد فضاهای مناسب با طرز زندگی و نوع فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی می‌باشد. ترکیب کامل این دو شرط، می‌تواند سبب ایجاد حس مطلوبیت از مسکن گردیده و درجاتی از رضایت و آسایش افراد را فراهم آورند (Naghbi & Hosseini, 2016).

سلامتی انسان تحت تأثیر عوامل متعددی است و عوامل مؤثر مثبت و منفی گوناگونی برای آن ذکر شده است که شناسایی این عوامل مؤثر و تعیین‌کننده سلامتی، امری ضروری است. دانشمندان عوامل متعددی چون امنیت شخصی و اجتماعی، تصویر بدنی، شخصیت، هوش، عواطف و احساسات، عوامل فیزیکی و ژنتیک، مشکل مسکن، محیط و روابط اجتماعی، معنویت و غیره که هر یک به نوبه خود می‌توانند بر سلامت فرد تأثیرگذار باشند را برشمردند. سلامت در مسکن به‌عنوان یک شاخصه پایداری و یکی از نیازهای اساسی انسان محسوب می‌شود، بنابراین برنامه‌ریزی برای آن در هر جامعه‌ای از اهمیت زیادی برخوردار است. «درواقع سالم بودن یکی از بنیادی‌ترین نیازهای انسان و اساس پیشرفت و

تمدن بشر است. در مدل نیازهای هرم مازلو^۱ نیز این موضوع در مراتب ابتدایی هرم قرار گرفته است. سلامت جوامع از سالم بودن تک‌تک خانواده‌ها و اعضای آن ایجاد می‌شود و مسکن محلی است که خانواده بیشترین وقت خود را در آن می‌گذراند و شرایط مسکن می‌تواند بر سلامت افراد تأثیر مثبت یا منفی بگذارد». باتوجه به این موضوع، خانواده حلقه اتصالی میان سلامت فردی و اجتماعی افراد است که این مهم در فضایی به نام خانه شکل می‌گیرد (Taheri & Taheri, 2020).

با توجه به بررسی مبانی نظری مربوط به سه گروه کهن‌الگویی، سلامت روان و دیدگاه اسلامی به خانه‌های ایرانی، مؤلفه‌های مطلوبیت از جانب همه، رضایتمندی، آسایش و سلامت روان، فصل مشترک در سه گروه مورد بررسی می‌باشند که هر یک، خود نشأت گرفته از مؤلفه‌هایی جزئی‌تر می‌باشند. در ادامه پژوهش سعی گردیده است به بررسی این مؤلفه‌ها و اشتراکات موجود در آن‌ها پرداخته شود.

پیشینه پژوهش

پیشینه تحقیق این پژوهش در سه گروه بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار در کهن‌الگویی، دیدگاه اسلامی و سلامت روان طبقه‌بندی شده که در مطالعه سه کلیدواژه مذکور، کتاب‌ها و پژوهش‌هایی که صورت پذیرفته است به شرح زیر است. محمود گلابچی و آیدا زینالی فرد در کتاب خود تحت عنوان معماری آرکی‌تایی (کهن‌الگویی) الگوهای پایدار بنیادین به بررسی بنیادی آرکی‌تایی، ناخودآگاه جمعی و نمادهای کهن جاودانه هزاران ساله مانند: ماندالا، ستون کیهانی، کوه کیهانی، اسپیرال کیهانی، گنبد کیهانی، درخت کیهانی و ... پرداخته‌اند و تأثیر آن در شکل‌گیری فرایند طراحی فضاهای معماری را مورد تحلیل قرار داده‌اند و ویژگی‌هایی اصلی چون جمعی بودن، پایداری، فراتر از سبک جهانی، فرازمان، حفظ وحدت، سمبلیک بودن، پویایی حفظ جوهره، بعد پنجم، گذار قدسی، عدم تبعیت از هندسه خاص را برای آن برشمردند.

اعظم‌السادات رضوی زاده در مقاله خود تحت عنوان بررسی ابعاد پایداری کهن‌الگوهای معماری گذشته به‌منظور تداوم در طراحی خانه امروز (استخراج احکام طراحی مبتنی بر کهن‌الگوهای اقلیم گرم و خشک) با واکاوی مفهوم خانه و مبانی نظری کهن‌الگویی، به بررسی مؤلفه‌های طراحی خانه از دیدگاه نظریه‌پردازانی چون محمدکریم پیرنیا، وحید قبادیان، عبدالحمید نقره‌کار و ... پرداخته و کهن‌الگوهای طراحی معمار خانه را در سه دسته بوم و محیط، ساختار فضایی و ساختار فرهنگی طبقه‌بندی نموده که هر یک دارای زیرشاخه‌های مربوط به خود می‌باشد. در انتها با بررسی نمونه‌های موردی دو شهر کاشان و یزد و امتیازبندی و وزن‌بندی شاخصه‌های رعایت شده اولویت هر یک از مؤلفه‌ها را مورد رتبه‌بندی قرار داده است.

محبوبه شعبانی جفرودی، سیده مامک صلواتیان، علیرضا نیکویی، سامره اسدی مجره در مقاله خود تحت عنوان بازتاب کهن‌الگوهای روان‌زنان و روان‌مردانه از دیدگاه یونگ در خانه‌های سنتی فلات مرکزی ایران در قالب چارچوب نظری ناخودآگاه جمعی، کهن‌الگو و نمادهای آنیما و آنیموس به بررسی الگوهای پایدار معماری سنتی و اجزای خانه‌های

سنتی ایران پرداخته‌اند و با استفاده از تأثیرات این نمادهای کهن‌الگویی، مؤلفه‌های موجود در خانه‌های سنتی را مورد تحلیل قرار داده‌اند.

ناصر براتی و الهام کاکاوند در مقاله خود تحت عنوان کندوکاوی پدیدارشناسانه در راستای شناخت یک انگاره کهن در معماری ایرانی اسلامی در چارچوب مبانی نظری کهن‌الگویی به بررسی سیر معنوی و عرفانی معماری خانه‌های سنتی ایرانی و مقایسه آن با عرفان جوامع بشری پرداخته و با استفاده از مطالعات میدانی و ۸۵۰ پرسشنامه در چهار فضای معماری میدان توپخانه تهران، میدان نقش جهان اصفهان، پارک لاله تهران و باغ شاهزاده ماهان به ارزیابی مؤلفه‌های فضایی در معماری سنتی و دستیابی به یک الگوی بنیادین در معماری ایرانی پرداخته‌اند.

آزیتا بلالی اسکویی و صادق نظری در مقاله‌ای با عنوان ارزش‌های مطلوب طراحی مسکن از منظر اندیشه اسلام (گامی در مسیر تبیین الگوی اسلامی ایرانی مسکن)، با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و استناد به قرآن کریم به واکاوی برخی از گزاره‌های ارزشی در طراحی خانه از منابع سنت و شریعت پرداخته‌اند و راهکارهای پیشنهادی طراحی را ارائه داده‌اند.

علی غفاری و مریم بنایی ابرندآبادی در مقاله‌ای با عنوان خانه سالم چیست؟ به تدوین یک چارچوب نظری جهت تبیین مفهوم و بازشناسی و معرفی مؤلفه‌های سازنده آن پرداخته‌اند. در ابتدا مفهوم سلامت، خانه و خانه سالم و سپس به‌ضرورت این موضوع و ارتباط سلامت و خانه را مورد واکاوی قرار داده‌اند.

اسماعیل ضرغامی و سیده اشرف سادات در مقاله خود با عنوان بررسی تطبیقی شاخصه‌های مسکن ایرانی - اسلامی با مسکن آپارتمانی امروز ضمن واکاوی دقیق مفهوم خانه از دیدگاه صاحب‌نظران و معیارهای طراحی خانه مطلوب از دیدگاه ایرانی و اسلامی، پژوهش خود را در پنج شاخص خانه ایرانی استفاده از منابع طبیعی، کیفیت فضا، توجه به حریم خصوصی، ایمنی و آرامش و تواضع بررسی و مؤلفه‌های مربوط به هر شاخص را با تنظیم پرسشنامه تدوین نموده که از میان آن‌ها آسایش بالاترین میزان امتیاز را در چه در مسکن ایرانی - اسلامی و چه در آپارتمان‌های امروزی به خود اختصاص داده است.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش در نگارش این مقاله کیفی و بر اساس تحلیل محتوای متون بوده و ارزیابی آن به‌صورت توصیفی - تحلیلی و برداشت اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و مطالعه مقالات معتبر علمی صورت گرفته است و در این زمینه به مباحث نظری با رویکردهای روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه پرداخته شده است. برای استفاده از کهن‌الگوها در معماری خانه‌ها ابتدا باید به علت پدیدآمدن کهن‌الگوها دست‌یافت. اینکه شکل‌گیری کهن‌الگو به چه صورت بوده است و در راستای پاسخ‌دهی به کدام نیاز تداوم پیدا کرده است؟ در این خصوص سعی شده است با توجه به محتوا و واژگان کلیدی به جستجو و ارزیابی مقالات معتبر پرداخته شود سپس به بررسی کهن‌الگوها در شکل‌گیری فضاهای خانه‌های ایرانی جهت ارتقا سلامت روانی ساکنان دست پیدا کرد. اطلاعات موردنیاز به جهت وجود در اسناد و تحقیقات گذشته به زبان فارسی، از طریق کتب و نشریات علمی مورد تأیید وزارت علوم، سیویلیکا، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و پایگاه

مجلات تخصصی نور گردآوری شده‌اند و جستجو در مقالات ۱۱ سال اخیر بر اساس کلیدواژه‌های اصلی که شامل: اسلام، خانه، سلامت روان و کهن‌الگو بودند، صورت گرفته است. در ابتدا مجموعاً ۳۵ مقاله معتبر در حیطه پژوهش واکاوی گردید که از این میان ۱۵ مقاله مرتبط با کهن‌الگوهای خانه‌ها، ۱۲ مقاله در خصوص مؤلفه‌های مؤثر بر طراحی خانه از دیدگاه بینش اسلامی و ۸ مقاله مرتبط با عوامل مؤثر بر سلامت روانی ساکنین در خانه انتخاب شدند و از میان مقالات مذکور ۱۷ مقاله منتخب در مفاهیم، مؤلفه‌های مؤثر و همچنین تأثیرگذاری آن‌ها بر هم مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در قالب سه جدول مفاهیم اولیه و اصول مورد تأکید در کهن‌الگوها، بینش اسلامی و سلامت روان تنظیم گردیده‌اند. جدول شماره ۱ بر اساس کهن‌الگوها و الگوهای مؤثر بر طراحی خانه از میان یک کتاب و ۶ مقاله معتبر منتخب، منطبق بر روش تحقیقاتی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین میزان تأثیرگذاری این عوامل در بینش اسلامی و سلامت روانی نیز در کهن‌الگوها مورد تحلیل قرار گرفته است.

جدول ۱. تجزیه و تحلیل اطلاعات بر مبنای مفاهیم اولیه و اصول مورد تأکید در کهن‌الگوها

| عنوان کتاب/مقاله | مفاهیم | | | اصول مورد تأکید در کهن‌الگوها |
|---|--|---|-------------|-------------------------------|
| | کهن‌الگوها | خانه | بینش اسلامی | |
| بازتاب آرکی تایپ‌های مادینه در معماری تاریخی ایران بر اساس آرای یونگ رمز مادینگی در طرح‌واره‌های ماندالوار معماری تاریخی ایران. (Heravi & Falamaki, 2020). | ناخودآگاه جمعی بشر شامل کهن‌الگوهایی است که با اساطیر آمیخته و حاوی شناخت انسان از خود و جهان است. | - | - | - |
| تحلیل آثار معماری معاصر با رویکرد نقد اسطوره‌ای، انطباق طرح معماری پایانه بندری «یوکوهاما» با کهن‌الگوی باغ ایرانی (Yamini & Alimohammadi & Bazrafkan, 2020). | روان جمعی مجموعه‌ای از تجربه‌های کهن است که به طور مستقیم قابل تشخیص نیستند و تأثراتی از خود بروز می‌دهند که شناخت آن‌ها را امکان‌پذیر می‌کند و در کهن‌الگوها متبلور می‌شوند. | - | - | - |
| بازتاب کهن‌الگوهای روان زنانه و روان مردانه از دیدگاه یونگ در خانه‌های سنتی فلات مرکزی ایران. (Shabani Jafroudy & Salavatian & Nikouei & Asadi Majreh, 2020). | تصاویر کهن جهانی، تصاویری هستند که از ابتدای آفرینش، منفک از زمان، مکان و نژاد در خاطره جمعی انسان حک شده و محتویات پویای ذهن ناخودآگاه را دربر گرفته‌اند و هیچ ارتباطی با تجارب فردی و اندیشه‌های موروثی ندارند، بلکه آمادگی کنشی روانی برای بازتولید اندیشه در طول تاریخ زندگی بشر است که فارغ از مکان و سنت پدید می‌آیند. | خانه یکی دست‌ساخته‌های کهن بشر است که علاوه بر ویژگی‌های کیفی در اجزای کالبدی، مانند: آشپزخانه، اتاق، حیاط و...، طیف وسیعی از تجربیات انسانی را در برمی‌گیرد. | - | - |
| محرمیت سلسله‌مراتب طراحی با احترام به کاربر تقسیم فضایی مرکز گرای درون گرای اشکال هندسی طبیعت گرای تراز منفی | | | | |

| اصول مورد تأکید در کهن‌الگوها | مفاهیم | | | عنوان کتاب/مقاله | |
|---|---------------|----------------|--|---|--|
| | سلامت روان | بینش اسلامی | خانه | | |
| سلسله‌مراتب تناسبات فضایی انعطاف‌پذیری درون‌گرایی فعالیت جمعی حس مکان انرژی‌کارایی محرمیت محسوریت ایستایی مردم‌واری ارتباط با محیط معماری تراز منفی | - | - | خانه جایی است که ساکنان آن احساس ناراحتی نکنند و خانه می‌بایست تنوع زیادی داشته باشد تا خستگی در آن احساس نشود. | بررسی ابعاد پایداری کهن‌الگوهای معماری گذشته به‌منظور تداوم در طراحی خانه امروز (استخراج احکام طراحی مبتنی بر کهن‌الگوهای اقلیم گرم و خشک). (Razavizadeh,2020). | |
| سلسله‌مراتب فراز، فرود و میانگاه پویایی و زنده‌بودن ارتباط با محیط هویت ایجاد فضاهای صمیمی | - | - | - | یک کهن‌الگو همچون یک ذخیره هوش‌افزا یا یک اثر ارثی است که از طریق تراکم تجربیات روانی بی‌شماری که همواره تکرار شده‌اند تکوین یافته است. | کندوکاوی پدیدارشناسانه در راستای شناخت یک انگاره کهن در معماری ایرانی - اسلامی (Barati & Kakavand, 2016). |
| سلسله‌مراتب تناسبات انسانی طبیعت‌گرایی نور | - | - | - | کهن‌الگوها، نیروهایی هستند که نقش اصلی را در ذهن انسان ایفا می‌کنند و مطابق با اصول مشابهی در تمام شرایط عمل می‌نمایند. | موزه‌های آرکی‌تایی (Hatefi Shojae,2016). |
| نور طبیعت‌گرایی مطلوب از جانب همه پایدار، زنده و پویا معماری کیهانی فراتر از سبک جهانی تنوع فضایی ماشین زمان وحدت ارتباط با محیط | - | - | در مقیاس خرد و حریم خصوصی، خانه نماد کیهان است و جایی است که کیهان و انسان یکی می‌گردند. خانه به فضای ذهن انسان، مادیت، تجسس و موجودیت واقعی می‌بخشد. | آرکی‌تایپ از واژه یونانی آرخته‌توپوس (Arkhetupos) به معنای سرنمون و نمونه کهن و ازلی گرفته شده است. آرکه یا آرچه، یعنی اصل نخستین چیزها. مفهوم آرکه را فلسفه یونان قدیم برای مسئله منشأها آفریده بود. | معماری آرکی‌تایی (کهن‌الگویی) (Golabchi & Zeynali Farid, 2014). |

در جدول شماره ۲ مؤلفه‌های مؤثر بر طراحی خانه از دیدگاه بینش اسلامی از میان ۵ مقاله منتخب بررسی و میزان تعامل آن با کهن‌الگوها و سلامت روانی ساکنین تحلیل گردیده است.

جدول ۲. تجزیه و تحلیل اطلاعات بر مبنای مفاهیم اولیه و اصول مورد تأکید در بینش اسلامی، مأخذ: نگارندگان

| اصول مورد تأکید در بینش اسلامی | مفاهیم | | | | عنوان مقاله |
|--|---|--|--|------------|---|
| | سلامت روان | بینش اسلامی | خانه | کهن‌الگوها | |
| تسلیم مناگرایی مرکزگرایی وحدت سلسله‌مراتب اشکال هندسی تناسبات فضایی | - | - | واژه مسکن به معنی جایی که در آن آرامش باشد. | - | مکان و مسکن در منظر اسلام (Vasigh & Pashootanzadeh & Bemanian, 2009). |
| سلسله‌مراتب طبیعت‌گرایی درون‌گرایی تفکیک فضایی تنوع فضایی و عملکردی کارایی انعطاف‌پذیری محرمیت وحدت مرکزگرایی وسعت مناسب | آرامش شاخصه مهمی از خصوصیات محل سکونت است که شامل موارد متعددی از جمله سکوت، پاکي، سلامت و امنیت و در رأس همه، آرامش و سکینه روحی و قلبی می‌باشد. | - | «خانه» برای مؤمن، محلی است که هم از نظر مادی (امنیت، شکل‌گیری و گسترش خانواده) و هم از نظر معنوی (تفکر و عبادت)، نیازهای او را برطرف سازد. | - | مسکن اسلامی (میانی نظری تا جلوه‌های عینی در گذشته و حال) (Taghizade, 2017) |
| محرمیت درون‌گرایی مرکزگرایی دوری از تزیینات پرهیز از ارتفاع زیاد وسعت مناسب | مسکن مناسب باید شرایطی داشته باشد که بتواند فراهم آورنده آرامش و آسایش برای ساکنین خویش باشد. | - | در خانه، فرد ضمن حفاظت از خود در برابر عوامل آب‌وهوایی، از فشرده‌ها و محدودیت‌های جامعه به‌دور است. | - | اصول طراحی خانه از منظر اسلامی و الگوهای کاربردی معاصر (Hamzenejad & Sadrian, 2014). |
| محرمیت سلسله‌مراتب طراحی با احترام به کاربر تقسیم فضایی مرکزگرایی درون‌گرایی اشکال هندسی طبیعت‌گرایی تراز منفی | اصل عرصه‌بندی با حفظ زندگی خانوادگی و احترام به مهمان باعث افزایش آرامش و تعادل روانی می‌شود. | یک ایدئولوژی پویا می‌باشد که مجموعه‌ای از مفاهیم و باورها را به‌منظور نشان‌دادن راهی برای زندگی مسلمانان ارائه می‌دهد. | خانه تنها به پدیدآوری کیفیت‌های جوی اکتفا نکرده و باید خلق‌وخوی آن فعالیت‌هایی که در آن جریان می‌یابد را نیز آشکار سازد. | - | ارزش‌های مطلوب طراحی مسکن از منظر اندیشه اسلام (گامی در مسیر تبیین الگوی اسلامی ایرانی مسکن) (Belali Oskui & Nazari, 2020). |
| مهمان‌پذیری تفکیک اندرونی و بیرونی محرمیت طبیعت‌گرایی سلسله‌مراتب درون‌گرایی مرکزگرایی | - | - | خانه نهادی است با عملکردی چندبعدی متأثر از اجتماع، فرهنگ، آیین مذهبی، اقتصاد و اوضاع محیطی. | - | تأثیر فرهنگ دینی بر شکل‌گیری خانه: مقایسه تطبیقی خانه در محله مسلمانان، زرتشتیان و یهودیان کرمان (Memarian & Hashemi Toghr oljerdi & Kamalipour, 2010). |

در جدول شماره ۳ با استفاده از ۵ مقاله منتخب، مفهوم و عوامل مؤثر بر سلامت روانی ساکنین خانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جدول ۳. تجزیه و تحلیل اطلاعات بر مبنای مفاهیم اولیه و اصول مورد تأکید در سلامت روان، مأخذ: نگارندگان

| عنوان مقاله | مفاهیم | | | اصول مورد تأکید در سلامت روان |
|--|------------|---|-------------|--|
| | کهن‌الگوها | خانه | بینش اسلامی | |
| خانه سالم (Ghaffari & Banaei, 2011). | - | خانه سالم شرایط را برای کمک به رشد جسمی و روحی، ایجاد زمینه برای شکوفایی استعدادهای تمرین رفتارهای اجتماعی ایجاد می‌کند. | - | طبیعت‌گرایی ارتباط با محیط اشکال هندسی تفکیک اندرونی و بیرونی محرمیت انعطاف‌پذیری |
| اصول پایداری اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی (Sajjadi Ghaem-Maghani & Poordeihimi & Zarghami, 2010) | - | خانه گوشه‌ای است که ما پس از تجربه ابعاد مختلف جهان پیرامون، به آن بازمی‌گردیم. | - | عرصه‌بندی تفکیک اندرونی و بیرونی انعطاف‌پذیری تناسبات فضایی وسعت مناسب |
| بررسی تطبیقی شاخصه‌های مسکن ایرانی - اسلامی با مسکن آپارتمانی امروز (Zarghami & Sadat, 2016). | - | خانه زادگاهی است با کارکردهای مختلف که سکونت را برای ساکنین مطلوب می‌سازد. | - | سلسله‌مراتب محرمیت طبیعت‌گرایی تناسبات فضایی انعطاف‌پذیری تفکیک اندرونی و بیرونی مهمان‌پذیری عرصه‌بندی ارتباط محیط |
| تحلیل معماری مجتمع‌های مسکونی بر اساس مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر سلامت روانی ساکنان (مطالعه موردی: سه مجتمع مسکونی در منطقه چهار شهر تهران) (Naeimi Frotaninejad & Rahbari Manesh & Alborzi & Khansari, 2020). | - | - | - | سلسله‌مراتب طبیعت‌گرایی نور تناسبات فضایی تنوع فضایی محرمیت |
| آرامش در خانه جستاری به آرامش در خانه از منظر اسلام در دو الگوی مسکن آپارتمانی و مستقل حیاطدار در شهر کرمان (Eslami Mahmoodabadi & Peyvastehgar & Heydari, 2021) | - | خانه مبدأ و مقصد زندگی روزمره انسان است. انسان‌ها برای کار و فعالیت اجتماعی از آن خارج می‌شوند و پس از انجام کار و کسب تجربه مجدد به خانه برمی‌گردند. | - | تناسبات فضایی طبیعت‌گرایی تفکیک فضایی تفکیک اندرونی و بیرونی مرکزگرایی درون‌گرایی نور |

تحلیل یافته‌ها

مطابق با روش پژوهش، پس از بررسی و تجزیه تحلیل ۱۷ مقاله منتخب، مفاهیم و اصول مورد تأکید در کهن‌الگوها، بینش اسلامی و سلامت روان دسته‌بندی گردیدند و اصول مورد تأکید در هر کلیدواژه مورد جست‌وجو، در ۳۳ ردیف بر اساس دفعات تکرار آن در مقاله‌های بررسی شده، مورد تدوین قرار گرفت (جدول شماره ۴). باتوجه به جدول تنظیم شده از اصول مورد تأکیدی که فاقد دفعات تکرار در هر سه ستون بوده است، صرف‌نظر شد و اطلاعات تنها بر اساس داده‌های مشترک در سه جدول کهن‌الگوها، بینش اسلامی و سلامت روان تنظیم گردیده‌اند.

در مرحله اول از ۱۴ اصولی که تنها در ستون مربوط به یک کلیدواژه از کهن‌الگوها، بینش اسلامی و سلامت روان تکرار شده‌اند، صرف‌نظر گردید که این اصول عبارت‌اند از: پویایی، ایستایی، هویت، ایجاد فضاهای صمیمی، تقارن، فعالیت جمعی، حس مکان، محصوریت، مردم‌واری، مطلوب از جانب همه، معماری کیهانی و ماشین زمان، تسلیم و معناگرایی، دوری از تزئینات و پرهیز از ارتفاع.

در مرحله دوم از ۹ اصول تفکیک فضایی، ارتباط با محیط، نور، وسعت مناسب، معماری تراز منفی، طراحی با احترام به کاربر، وحدت، کارایی و مهمان‌پذیری که در ستون مربوط به دو کلیدواژه از کهن‌الگوها، بینش اسلامی و سلامت روان تکرار شده‌اند چشم‌پوشی گردیده است.

مطابق با دو مرحله چشم‌پوشی مذکور، ردیف‌های قابل چشم‌پوشی مرحله اول که با رنگ طوسی کم‌رنگ مشخص گردیده‌اند شامل ۱۴ مورد و ردیف‌های قابل چشم‌پوشی مرحله دوم که با رنگ طوسی پررنگ مشخص گردیده‌اند شامل ۹ مورد مطابق با جدول راهنما زیر تفکیک گردیده‌اند.

| | |
|--------------------------|---------|
| قابل چشم‌پوشی (درجه اول) | ۱۴ مورد |
| قابل چشم‌پوشی (درجه دوم) | ۹ مورد |

جدول ۴. میزان تکرار اصول مورد تأکید در کهن‌الگوها، بینش اسلامی و سلامت روان

| ردیف | اصول مورد تأکید | میزان تکرار در مقاله‌های مرتبط با کهن‌الگوها | میزان تکرار در مقاله‌های مرتبط با بینش اسلامی | میزان تکرار در مقاله‌های مرتبط با سلامت روان | مجموع تکرار کل مقاله‌ها |
|------|-----------------|--|---|--|-------------------------|
| ۱ | سلسله‌مراتب | ۵ | ۴ | ۲ | ۱۱ |
| ۲ | طبیعت‌گرایی | ۴ | ۳ | ۴ | ۱۱ |
| ۳ | محرمیت | ۲ | ۴ | ۳ | ۹ |
| ۴ | مرکزگرایی | ۳ | ۵ | ۱ | ۹ |
| ۵ | اشکال هندسی | ۴ | ۲ | ۱ | ۷ |
| ۶ | درون‌گرایی | ۲ | ۴ | ۱ | ۷ |
| ۷ | تناسبات فضایی | ۲ | ۱ | ۴ | ۷ |
| ۸ | تفکیک فضایی | | ۲ | ۴ | ۶ |
| ۹ | ارتباط با محیط | ۳ | | ۲ | ۵ |
| ۱۰ | انعطاف‌پذیری | ۱ | ۱ | ۳ | ۵ |

ادامهٔ جدول ۴

| ردیف | اصول مورد تأکید | میزان تکرار در مقاله‌های مرتبط با کهن‌الگوها | میزان تکرار در مقاله‌های مرتبط با بینش اسلامی | میزان تکرار در مقاله‌های مرتبط با سلامت روان | مجموع تکرار کل مقاله‌ها |
|------|----------------------------|--|---|--|-------------------------|
| ۱۱ | تقسیم فضایی (عرصه‌بندی) | ۱ | ۱ | ۲ | ۴ |
| ۱۲ | نور | ۲ | | ۲ | ۴ |
| ۱۳ | تنوع فضایی | ۱ | ۱ | ۱ | ۳ |
| ۱۴ | وسعت مناسب | | ۲ | ۱ | ۳ |
| ۱۵ | معماری تراز منفی | ۲ | ۱ | | ۳ |
| ۱۶ | طراحی با احترام به کاربر | ۲ | ۱ | | ۳ |
| ۱۷ | وحدت | ۱ | ۲ | | ۳ |
| ۱۸ | پویایی | ۲ | | | ۲ |
| ۱۹ | ایستایی | ۲ | | | ۲ |
| ۲۰ | کارایی | ۱ | ۱ | | ۲ |
| ۲۱ | مهمان‌پذیری | | ۱ | ۱ | ۲ |
| ۲۲ | هویت | ۱ | | | ۱ |
| ۲۳ | ایجاد فضاهای صمیمی | ۱ | | | ۱ |
| ۲۴ | تقارن | ۱ | | | ۱ |
| ۲۵ | فعالیت جمعی | ۱ | | | ۱ |
| ۲۶ | حس مکان | ۱ | | | ۱ |
| ۲۷ | محسوریت | ۱ | | | ۱ |
| ۲۸ | مردم‌واری | ۱ | | | ۱ |
| ۲۹ | مطلوب از جانب همه | ۱ | | | ۱ |
| ۳۰ | معماری کیهانی و ماشین‌زمان | ۱ | | | ۱ |
| ۳۱ | تسلیم و معناگرایی | | ۱ | | ۱ |
| ۳۲ | دوری از تزئینات | | ۱ | | ۱ |
| ۳۳ | پرهیز از ارتفاع | | ۱ | | ۱ |

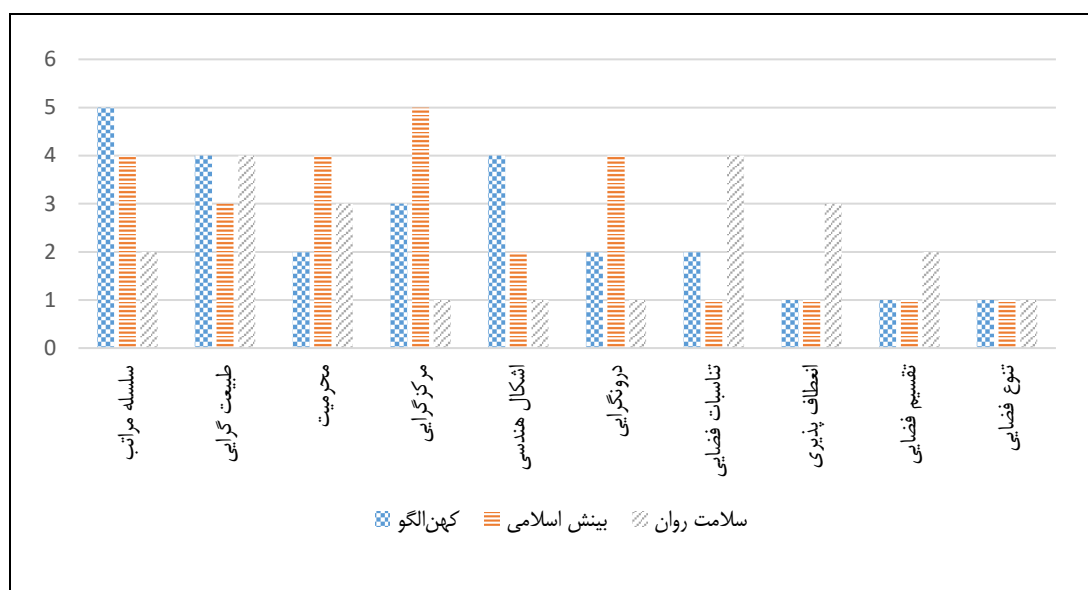
باتوجه به اینکه تنها ده مورد از اصول مورد تأکید در سه کلیدواژه کهن‌الگوها، بینش اسلامی و سلامت روان مشترک بودند، ۲۳ ردیف از جدول شماره ۴ حذف گردید. جدول شماره ۵ با اولویت‌بندی میزان تکرار، به ترتیب با اصول سلسله‌مراتب، طبیعت‌گرایی، محرمیت، مرکز‌گرایی، اشکال هندسی، درون‌گرایی، تناسبات فضایی، انعطاف‌پذیری، تقسیم فضایی و تنوع فضایی تنظیم گردید.

جدول ۵. اصول مشترک مورد تأکید در کهن‌الگوها، بینش اسلامی و سلامت روان

| ردیف | اصول مورد تأکید | میزان تکرار در مقاله‌های مرتبط با کهن‌الگوها | میزان تکرار در مقاله‌های مرتبط با بینش اسلامی | میزان تکرار در مقاله‌های مرتبط با سلامت روان | مجموع تکرار در کل مقاله‌ها |
|------|-----------------|--|---|--|----------------------------|
| ۱ | سلسله‌مراتب | ۵ | ۴ | ۲ | ۱۱ |
| ۲ | طبیعت‌گرایی | ۴ | ۳ | ۴ | ۱۱ |
| ۳ | محرمیت | ۲ | ۴ | ۳ | ۹ |
| ۴ | مرکزگرایی | ۳ | ۵ | ۱ | ۹ |
| ۵ | اشکال هندسی | ۴ | ۲ | ۱ | ۷ |
| ۶ | درون‌گرایی | ۲ | ۴ | ۱ | ۷ |
| ۷ | تناسبات فضایی | ۲ | ۱ | ۴ | ۷ |
| ۸ | انعطاف‌پذیری | ۱ | ۱ | ۳ | ۵ |
| ۹ | تقسیم فضایی | ۱ | ۱ | ۲ | ۴ |
| ۱۰ | تنوع فضایی | ۱ | ۱ | ۱ | ۳ |

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

مطالعات علوم مرتبط با روان بیان می‌کنند که ناخودآگاه انسان شامل خاطرات جمعی و فردی از اشکال و فرم‌های گذشته است و براین اساس می‌توان گفت که کهن‌الگوهای مطلوب برای بشر در طراحی خانه از دیرباز دارای ویژگی‌های یکسان بوده است. همچنین در بینش اسلامی نیز که قدمتی طولانی در ایجاد ساختار ذهنی برای انسان‌ها با سرچشمه‌ای الهی دارد، ایجاد و حفظ آسایش و آرامش انسان‌ها همواره در اولویت بوده و توجه خاصی به این مقوله که خواستگاه اصلی افراد برای تهیه خانه است، شده است. نتایج حاصل از بررسی اسناد معتبر پژوهشی مرتبط با کهن‌الگوها، بینش اسلامی و سلامت روان نشان داد که ده اصل مشترک در زمینه تهیه مسکن، واجد اهمیت مضاعف هستند (نمودار شماره ۱). نمودار شماره یک با هدف بررسی مقایسه‌ای میزان تکرار هر مؤلفه در کنار هم و اولویت‌بندی مؤلفه‌ها در مقایسه با هم می‌باشد. برای مثال مؤلفه سلسله‌مراتب با تکرار ۵ مورد در کلیدواژه کهن‌الگو، ۴ مورد تکرار در کلیدواژه بینش اسلامی و ۲ مورد تکرار در کلیدواژه سلامت روان، مجموعاً ۱۱ مورد تکرار برای طراحی خانه‌ای با دیدگاه اسلامی با حفظ رویکرد سلامت روان در اولویت ده اصول مؤثر بر طراحی می‌باشد. اصول ده‌گانه‌ای که می‌توان با به‌کارگیری صحیح آنها در برنامه‌ریزی و طراحی مسکن شهری و روستایی، ضمن افزایش آرامش و سلامت روان ساکنان، میزان رضایتمندی کاربران را نیز به حداکثر رساند. این اصول ده‌گانه مطابق با جدول شماره یک شامل سلسله‌مراتب و طبیعت‌گرایی با میزان تکرار ۱۱ مورد، محرمیت و مرکزگرایی با میزان تکرار ۹ مورد، اشکال هندسی، درون‌گرایی و تناسبات فضایی با میزان تکرار ۷ مورد و پس از آنها، اصول انعطاف‌پذیری، تقسیم فضایی و تنوع فضایی با کمترین میزان تکرار می‌باشند.



شکل ۱. نمودار اصول مورد تأکید در کهن‌الگوها، بینش اسلامی و سلامت روان

سلامت روان از ابعاد بسیار مهم سلامت قلمداد می‌گردد که در ارتباط با بهبود عملکرد فردی و اجتماعی افراد می‌باشد. با توجه به اینکه یکی از رسالت‌های بنیادی یک معمار، طراحی فضاها در احترام به ابعاد روحی کاربر می‌باشد لذا رعایت طراحی با رویکرد اعتدالی سلامت روان از اهداف اصلی در هر طراحی معماری می‌باشد. در این پژوهش مؤلفه‌های مؤثر کهن‌الگو در خانه‌های ایرانی با تأثیر آن در سلامت روان کاربران مورد واکاوی قرار گرفت که در این میان با دستیابی به ده مؤلفه تأثیرگذار مذکور در نمودار شماره یک، مؤلفه طبیعت‌گرایی با خلق فضاهای سبز، فضاهای باز و نیمه‌باز مرتبط با طبیعت نظیر تراس‌ها، پاسیوها و ... با هدف تلطیف روحیه ساکنین به‌عنوان نیاز اولیه انسانی ارتباط با طبیعت و فضاهای طراحی شده با عناصر طبیعی و معماری داخلی با نماد طبیعی با هدف کاهش خستگی و بهبود استرس، مؤلفه‌های سلسله‌مراتب، محرّمیت و درون‌گرایی با امکان چیدمان فضا به شکل‌های متنوع با هدف عدم اشرفیت به داخل خانه، ایجاد فضای بینابین و سلسله‌مراتب ورود به خانه و سازماندهی درست اجزای طرح و پیش‌بینی فضاها با هدف ایجاد احساس امنیت در کاربر و جلوگیری از ایجاد مزاحمت و سلب آسایش، مؤلفه درون‌گرایی با امکان ایجاد حریم خصوصی و امکان نظارت بر اجزای خانه، مؤلفه مرکزگرایی با ایجاد هسته اصلی مرکزی به‌عنوان محل وحدت و فضای جمعی ارتباطات و مراودات خانوادگی و همسایگی، مؤلفه اشکال هندسی با طراحی بهترین فرم جهت نزدیک ساختن افراد خانواده و جلوگیری از جداسدن بیش از حد فضاهای خصوصی و عمومی با هدف ممانعت از منزوی ساختن افراد و ایجاد اشکال مناسب جهت کنترل‌پذیری و امکان تنوع در چیدمان مبلمان، مؤلفه تناسب فضایی با نظر به ابعاد مناسب جهت امکان استفاده بهینه افراد و سپری کردن اوقات در کنار یکدیگر برای مثال فضای آشپزخانه به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین فضاهای خانه می‌تواند با رعایت تناسب مناسب، بهینه‌ترین مکان برای روابط بیشتر در خانواده تلقی گردد، مؤلفه تقسیم فضایی با طراحی فضاهایی نظیر فضای مهمان جهت امکان ارتباط با دیگران در یک فضای مشخص و ارتباط مناسب اتاق‌ها با یکدیگر جهت برقراری ارتباط اعضای خانواده، مؤلفه تنوع فضایی با خلق فضاهایی متنوع مانند فضاهای جمعی در واحد همسایگی و طراحی شهری و طراحی فضاهای مناسب برای استفاده از اینترنت در خانواده در

کنار هم در یک فضای واحد و وجود طیف‌های متنوع فضایی از قلمرو کاملاً خصوصی تا عمومی در خانه، مؤلفه انعطاف‌پذیری با ایجاد احساس تسلط بر فضا توسط کاربر که باعث می‌گردد باتوجه‌به نیازهای روحی و روانی خود و خانواده در فضا تغییر به عمل آورد و همچنین امکان ایجاد فضاهای چندمنظوره جهت ترکیب عملکردها متناسب با نیاز کاربر، همه از مواردی هستند که با ایجاد احساس آرامش و امنیت فکری، ایجاد منزلت اجتماعی و احساس تعلق خانوادگی باعث جلوگیری از بروز بیماری‌های روحی نظیر افسردگی، گوشه‌گیری، انزواطلبی، پرخاشگری و جامعه‌گریزی گردیده و باعث دستیابی به سلامت روان در کاربران می‌گردند.

از آنجاکه سیاست‌های طراحی و برنامه‌ریزی مسکن، بر نظام طراحی مبتنی بر نیازهای مردم تأکید دارد، به‌کارگیری مؤلفه‌های حاصل از نتایج تحقیق می‌تواند نقشی مؤثر در سیاست‌گذاری ساخت مسکن ایفا نماید. در واقع کهن‌الگوها در طول زمان به دلیل پاسخگویی به نیازها، خواسته‌ها و رفتارهای مردم شکل گرفته‌اند و علاوه بر آنکه توصیه‌هایی را برای طراحی در قالب چارچوبی کالبدی - عملکردی بیان می‌نمایند، می‌توانند به‌واسطه ایجاد نظام ساختاری مشترک در ساخت مسکن، از احداث مسکن‌های خارج از عرف و فاقد الگوهای زیستی مناسب جلوگیری نمایند.

مؤلفه‌های حاصل از بررسی‌های صورت‌گرفته، فراتر از اصول و ضوابط ساخت معاصر گام بر می‌دارد و توجه خود را به سلامت روحی و روانی ساکنین معطوف می‌نماید و با استفاده از اهمیت آسایش از دیدگاه اسلامی به الگوی خانه‌های ایرانی، هویتی فراتر از کمیت‌های ساخت مسکن معاصر می‌بخشد و کیفیت را به آن می‌افزاید. استفاده از کهن‌الگوهای خانه‌های ایرانی که از بررسی معماری فاخر مسکن خانه‌های قدیمی استخراج گردیده است و طبق دیدگاه اسلامی، سلامت روان ساکنین را به‌عنوان هدف قرار داده است، از بهترین الگوهای بررسی شده در ایجاد طرح منسجم معماری مسکن می‌باشد و می‌تواند طراحی خانه‌های ایرانی را از حالت سلیقه‌ای خارج نموده و معماری مسکن را از آشفتگی موجود معاصر برهاند.

با توجه به تغییرات فرهنگی و جمعیتی در نسل معاصر و تغییر الگوهای زیستی، پیشنهاد می‌گردد مؤلفه‌های بررسی شده باهدف شناسایی مغایرت‌ها و اشتراکات بین الگوهای مسکن سنتی و مسکن معاصر مورد بازبینی قرار گیرند. همچنین باتوجه‌به قدمت هنر معماری در حوزه مسکن و تنوع آن در جوامع مختلف، پیشنهاد می‌شود با بررسی کهن‌الگوهای جوامع مختلف به کشف فرم‌های قدیمی‌تر که ریشه‌ای کهن دارند، پرداخته شود و تحقیق گردد که باتوجه‌به مفهوم تجربه جمعی یونگ در وجود اشتراک در فرهنگ‌ها و ملل مختلف، آیا می‌توان به کهن‌الگوهایی با اشتراک جهانی برای بشر در این زمینه دست‌یافت و اینکه این کهن‌الگوها در فرهنگ‌ها و زیستگاه‌های مختلف، چه تفاوت‌ها و اشتراکاتی با یکدیگر دارند.

References

- Barati, N. & Kakavand, E. (2016). Phenomenological Investigation in the Event of Archetype Recognition in Islamic-Iranian Architecture. *Journal of Bagh-e Nazar*, 13(42), 5-18. (in Persian)

- Belali Oskui, A. & Nazari, S. (2020). Desirable Values of Housing Design from the Perspective of Islamic Thought (a step towards explaining the Iranian Islamic model of housing). *Islamic Iranian Progress Model Biannual Journal-Studies*, 8(15), 299-335. (in Persian)
- Bemanian, M. & Amini, M. (2015). The Social Architecture Of The Iranian House. *Tehran: Avvaloakhar publications*. (in Persian)
- Cline, M.P. (1997). The Pos and Cons of Adopting and Applying Design Patterns in the Real World. *in Communications of the ACM*. 39(10): 47-49 .
- Eslami Mahmoodabadi, M. & Peyvastehgar, Y. & Heydari, A. (2021). Tranquility at Home An Inquiry on Tranquility at Home from Islamic Perspective in Two Patterns of Apartments and Detached Houses with Courtyards in Kerman. *Journal of Bagh-e Nazar*, 18(99), 5-24. (in Persian)
- Ghaffari, A. & Banaei, M. (2011). What is Healthy House?. *Journal of Housing and Rural Environment*, 30(133), 15-28. (in Persian)
- Golabchi, M. & Zeynali Farid, A. (2014). Archetypal Architecture. *Tehran University Publications*. (in Persian)
- Hamzenejad, M. & Sadrian, Z. (2014). Housing Design Principles of Islam and Other Contemporary Usable Patterns. *Journal of Researches in Islamic Architecture*, 1(4), 60-78. (in Persian)
- Hatefi Shojae, S. (2016). Archetype Museums. *2nd International conference on research in science and technology*. Istanbul, turkey. (in Persian)
- Heravi, H. & Falamaki, M. & Tahaei, A. (2020). Reflection of Feminine Archetypes in Iranian Historical Architecture through the Lens of Jung The Code of Femininity in the Mandala Schemas of Iranian Historical Architecture. *Journal of Bagh-e Nazar*, 16(80), 51-62. (In persian)
- Hesham, M. (2005). Traditional Islamic Principles Of Built Environment. *Urban Planning And Architecture Research Center Of Iran Publications*. (In persian)
- Lawrence A, P. & Oliver P, J. (2001). Personality: Theory And Research. *Ayizh Publications*.
- Memarian, Gh. & Hashemi Toghr oljerdi, S. M. & Kamalipour, H. (2010). The Impact Of Religious Culture On Organization Of Houses Comparative Study Of Houses In Islamic, Zoroastrain And Jewish Districts Of Kerman. *Journal of Iranian Cultural Research*, 3(2), 1-25. (in Persian)
- Naeimi Frotaninejad, F. & Rahbari Manesh, K. & Alborzi, F. & Khansari, Sh. (2020). Architectural Analysis of Residential Complexes Based on Physical Components Affecting the Inhabitants' Mental Health: A Case Study. *Journal of Disability Studies*. 10, 174. (in Persian)
- Naghibi, N. & Hosseini, S. B. (2016). The Impact of Psychological, Physical and Environmental Factors and Promoting the Residents' Satisfaction of Residential Complexes. *Journal of Sustainable Architecture and Urban Design*, 2(2), 15-25. (in Persian)
- Naghizadeh, M. (2017). Islamic Aboding: From Theory to Practice in the Past and Present. *Journal of Architectural Thought*, 1(2), 47-67. (in Persian)

- Parvizi, E. (2020). Explaining the Impact of the Subconscious on Location Identity. *Journal of Rooyesh-e Ravanshenasi*, 9(48), 85-92. (in Persian)
- Quran. (1995). Nasser Makarem Shirazi. *Qom Publications*. (in Persian)
- Razavizadeh A.S. (2020). Representation of Sustainable Archy Type in the Architecture of the Past and Present of the Iranian House (extraction of design rules based on hot and dry climate archetypes). *Journal of Researches in Islamic Architecture*, 7(28), 80-98. (in Persian)
- Sajjadi Ghaem-Maghani, P. S. & Poordeihimi, Sh. & Zarghami, E. (2010). Principles of Social Sustainability in Residential Complexes, From the Perspective of Iranian Experts. *Journal of Soffeh*, 20(51), 75-87. (in Persian)
- Shabani Jafroudy, M. & Salavatian, S. M. & Nikouei, A. & Asadi Majreh, S. (2020). Reflection of Feminine Psyche and Masculine Psyche Archetypes from Jung's Perspective in the Traditional Houses in the Central Plateau of Iran. *Journal of Woman in Culture Arts*, 12(2), 219-249. (in Persian)
- Taheri, S. & Taheri, J. (2020). Assessment of Environmental Factors Effective on Mental Health (Case study: 600-unit and 512-unit residential complexes in Mashhad). *Journal of Hoviatshahr*, 13(40), 57-74. (in Persian)
- Torabi, Z. & Asadi, Sh. & Jozpiri, A. (2016). Adaptation Of Christopher Alexander's Theories With Iranian Archetypes. *Second International Conference On Research In Engineering, Science And Technology*: United Arab Emirates, Dubai.
- Vasigh, B. & Pashootanzadeh, A. & Bemanian, M. R. (2009). Concept of Place in Quran. *Journal of Iranian Academic's Quranic Organization*, 1(3), 93-101. (in Persian)
- Yamini, S. & Alimohammadi, P. & Bazrafkan, K. (2020). Analysis of the Contemporary Architectural Works based on the Mythical Criticism Approach Adaptation of Yokohama Port Terminal Architectural Pattern to Persian Garden Archetype. *Journal of Bagh-e Nazar*, 17(86), 17-28. (in Persian)
- Zarghami, E. & Sadat, S. A. (2016). A Comparative Analysis of Indicators of Housing on the Basis of Today's Persian-Islamic Culture with Apartment Housing. *Journal of Naqshejahan*, 6(2), 60-72. (in Persian)